

## گذری بر معاهدات گلستان و ترکمانچای و پیامدهای آن

در سومین مرحله از دوره اول جنگهای ایران و روس، یعنی از جمادی‌الاول ۱۲۲۷ تا ذیقعدة ۱۲۲۸ برابر با مه ۱۸۱۲ تا اکتبر ۱۸۱۳، تحولات زیادی در جبهه‌های جنگ ایران و روس و اتحادیه اروپا علیه ناپلئون بناپارت پدیدار گشت. توضیح آنکه با امضای صلح بخارست (۱۶ مه ۱۸۱۲) جنگ روس و عثمانی پایان یافت و در نتیجه برطرف شدن فشار جبهه‌های عثمانی، روسها بر شدت حملات خود از سمت ایران افزودند و از این طریق ظلم و تعدی فراوانی را به اهالی مناطق اشغالی روا داشتند. بگونه‌ای که موجبات یک شورش عمومی را در مناطق اشغالی ایجاد کردند که دامنه آن به گرجستان نیز سرایت کرد و اسکندر میرزا،<sup>(۱)</sup> شاهزاده گرجی - که نسبت به ایران بسیار وفادار بود - در رأس شورشیان قرار گرفت.<sup>(۲)</sup>

در این هنگام دولت انگلستان که از یک طرف از فتوحات و پیشرفت ناپلئون در اروپا نگران شده بود و از سوی دیگر تعرضات روسیه در ایران و تهدید مرزهای هندوستان برایشان قابل تحمل نبود، با انعقاد دو قرارداد جداگانه با ایران و روسیه، مقاصد دیپلماتیک خود را در آن دوره بحرانی بین دول اروپا به انجام رسانیدند.

نخست، قرارداد معروف به مفصل یا معاهده تهران را در ۲۹ صفر ۱۲۲۷ / ۱۴ مارس ۱۸۱۲ با ایران منعقد ساختند. این قرارداد از دوازده فصل تشکیل می‌شد و فصول اول تا چهارم آن دولت ایران را متعهد می‌ساخت تمام معاهداتی را که تا تاریخ امضای این قرارداد با دول اروپایی دارد لغو نماید و به هیچ دولت اروپایی اجازه ورود و عبور از ایران را برای رسیدن به هندوستان ندهد. در مقابل دولت انگلیس متعهد می‌شد در صورت حمله یک کشور خارجی به ایران، کمکهای نظامی و مالی لازم را به ایران بنماید.

دوم، پیمان اتحاد انگلیس و روسیه علیه فرانسه بود که در ۱۶ ژوئیه ۱۸۱۲ / ۶ رجب

۱۲۲۷ منعقد شد.<sup>(۳)</sup>

We the undersigned Plenipotentiaries of the high Contracting Powers having concluded the aforesaid Treaty in the true spirit of amity and sincerity in the terms foregoing Articles, have come to set our hands and seals in the Royal City of Lisbon this fourteenth day of March in the year of our Lord one thousand eight hundred and twelve, corresponding with the twenty sixth of Rajab ul Muzaffer in the year of the Hijri one thousand two hundred and twenty seven.

این عهد در روز

دوازدهم ماه رجب سن ۱۲۱۲ هجری قمری بمقدف استر شریف

و در ماه کابل حکم فرموده شد و بخدا و محمد و آل محمد و ائمه اطهار سلام

۱۲۱۲ تاریخ روز دوازدهم رجب سن ۱۲۱۲ هجری قمری

محمد علی احمد اسلام

محمد علی احمد اسلام



Gene Muzaffar



بنادر کابل



بنادر کابل



بنادر کابل



Gene Muzaffar

*A Definitive Treaty between the two States having formerly been proposed consisting of 12 Articles, and certain changes not immaterial with friendship having appeared necessary. The Negotiations terminated of the two States, comprising the said Treaty in 11 Articles have been set out our hands at the in the Royal City of Tehran this hundredth day of November in the year of our Lord One thousand eight hundred & four hundred corresponding with the month of Rabi-ul-thani in the Year of the Hijra One thousand two hundred & twenty two*

این معاهده در شهر تبریز در روز بیستم

مهرماه سال ۱۲۴۲ هجری قمری در شهر تبریز

مهرماه سال ۱۲۴۲ هجری قمری در شهر تبریز

در روز بیستم ماه رجب سال ۱۲۴۲ هجری قمری

در روز بیستم ماه رجب سال ۱۲۴۲ هجری قمری

 James Keith










 




 James Keith



 Henry Elliot



 Henry Elliot



پرتال جامع علوم انسانی

از آنجایی که صورت مفصل این عهدنامه (عهدنامه مفصل) و تغییراتی که بعداً پیدا کرد و در ذیحجه ۱۲۲۹ به فصول یازده‌گانه تبدیل یافت از حوصله این مقال خارج و در بیشتر کتب عهدنامه‌های تاریخی مذکور است، از آوردن متن و سند قرارداد، خودداری شد و تنها به صورت مجلس تنظیمی و تأییدیه قراردادهایی که توسط وکلای دو دولت امضاء و مهر گردیده است، بسنده شد. عهدنامه مفصل به وکالت صدراعظم فتحعلیشاه، میرزا محمد شفیع و حاجی محمدحسین خان نظام‌الدوله، از جانب ایران و سرگور اوزلی و برونه از طرف انگلستان به امضا رسید.

عهدنامه اصلاحی دوم را با برخی تعبیرات وکلای دولتی بدین شرح تایید و امضاء نمودند: میرزا محمد شفیع صدراعظم و مقرب الخاقان نایب‌الوزاره میرزا بزرگ قائم‌مقام و معتمدالدوله میرزا عبدالوهاب منشی الممالک دیوان همایون و وکلای دولت بهیة انگلیس، جیمس موریه، ایلچی جدید دولت انگلیس و هنری آلیس، معتمد دولت بهیة انگلیس.<sup>(۴)</sup>

در اوضاعی که در اثر آغاز حملات ناپلئون در اروپا بویژه به روسیه و ناآرامیهای مناطق اشغالی ایران علیه سپاهیان روس و مجهز شدن ایران، شرایط برای یک حمله پر دامنه از هر جهت فراهم آمده بود، ژنرال ردیشچف، فرمانده کل قوای قفقاز مجبور شد، از شدت حملات خود در جبهه‌های ایران کاسته و میانجیگری صلح با ایران را از انگلستان تقاضا کند. ردیشچف همچنین از امپراتور روسیه فرمان داشت همانند صلح روسیه و عثمانی (عهدنامه بخارست) با ایران نیز صلح نماید تا بتواند با نیمی از سپاه خود در مقابله با ناپلئون در جبهه‌های اروپا شرکت کند.<sup>(۵)</sup>

از اینرو ژنرال ردیشچف نمایندگانی را برای ملاقات و مذاکره با سرگور اوزلی، سفیر انگلیس در ایران و عباس میرزا، نایب‌السلطنه روانه تبریز کرد و پیشنهادهای خود را برای قرارداد آتش‌بس به ترتیب زیر ارائه نمود:

۱. رودخانه‌های کورا، ارس و آراچای مرز مشترک ایران و روسیه باشد و اراضی و نواحی آن متعلق به دولتی باشد که آنها را در تصرف دارند.
۲. حدود و نواحی رودخانه‌های مذکور که در تصرف امپراتور روسیه است، به وسیله ژنرال ردیشچف تعیین می‌شود.

## ● گذری بر معاهدات گلستان و ترکمانچای و پیامدهای آن

۳. قراردادهای مختلف مرزی در ماوراء ارس و قفقاز، که شامل آذربایجان و نواحی مختلف آن می‌شود، در حکم یک قرارداد واحد است و چنانچه در هر قسمت آن اعم از سواحل بحر خزر و ساکنان و مالکان آن تعدی و تجاوزی صورت بگیرد، در حکم تجاوز به روسیه محسوب خواهد شد.

۴. استقلال خوانین محلی باید از طرف هر دو دولت به رسمیت شناخته شود.

۵. از آنجایی که دشمنان داخلی و خارجی ممکن است استقلال ایران را به خطر اندازند، چون امپراتور روسیه برای حفظ روابط دوستی و حسن همجواری، خود را موظف به دفاع می‌داند، لذا داشتن نیروی دریایی در دریای خزر و آمد و شد کشتی‌های جنگی در این دریا، باید مورد پذیرش دولت ایران باشد.

در مقابل دولت روسیه از سلطنت خانواده قاجار پشتیبانی نموده و از ولایت عهدی عباس میرزا حمایت می‌کند. عباس میرزا و سرگور اوزلی پس از بررسی پیشنهادهای ژنرال ردیشچف، نمایندگانی را با نامه نزد ژنرال روسی اعزام نمودند تا درستی ادعای او و اختیاراتی را که در مورد انجام صلح دارد، استفسار نموده و گزارش دهند.<sup>(۶)</sup>

سرگور اوزلی پس از دریافت نظرات قابل قبول در این مورد، به وسیله میرزا شفیع، صدراعظم فتحعلیشاه واسطه صلح شد و ردیشچف با ارسال رونوشتی از معاهده بخارست برای نایب السلطنه، تقاضای چهل روز آتش‌بس کرد، تا پس از انقضای این مدت، نمایندگان دو طرف در محل «سلطان حصاری» کنار رود ارس یکدیگر را ملاقات و شرایط صلح را پیشنهاد نمایند. اما در اوایل رمضان ۱۲۲۷ ژنرال آق وردیف به اردوگاه عباس میرزا آمده و اعلام کرد: نظر به اینکه شاهزاده الکساندر، در گرجستان شرایط متارکه را رعایت ننموده و ایران هم از او جانبداری کرده است، مذاکرات صلح انجام نخواهد شد و ژنرال ردیشچف هم در این زمینه اختیاراتی ندارد. چنانچه ایران خواستار صلح است، نمایندگان خود را به اصلاندوز بفرستد.<sup>(۷)</sup>

ژنرال ردیشچف چون وقایع را تبعیت از سیاست عباس میرزا تلقی می‌کرد، ژنرال کوتلوروسکی<sup>(۸)</sup> را - که مردی متهور و شجاع بود - به محافظت قراباغ گمارد و خود عازم تفلیس شد. این در حالی بود که عباس میرزا در اصلاندوز کنار رود ارس اردو زده و مشغول ساختن استحکامات بود.<sup>(۹)</sup>

در چنین احوالی، سرگور اوزلی با جدیت تمام سعی داشت هر چه زودتر قرارداد صلح ایران و روس را به انجام رساند، لذا عباس میرزا را تشویق کرد تا میرزا ابوالحسن خان شیرازی را به اتفاق جیمس موریه برای مذاکرات صلح به اصلاندوز بفرستد. این دو نفر در تاریخ ۱۳ رمضان ۱۲۲۷ عازم اصلاندوز شدند و میرزا ابوالقاسم قائم مقام نیز به عنوان نماینده ایران با ژنرال آق وردیف و سرهنگ ماگیلوسکی، نمایندگان روسیه به میعادگاه صلح آمدند.<sup>(۱۱)</sup>

کنفرانس اصلاندوز پس از دو هفته بدون نتیجه مثبت پایان یافت. زیرا دولت روسیه، در شرایط صلح، خواستار عدم تخلیه و استرداد تمامی سرزمینهای اشغالی بود به استثنای ناحیه تالش؛ در حالیکه دولت ایران می خواست ژنرال روسی تمام سرزمینهای اشغالی را تخلیه و مسترد نماید. لذا پس از برهم خوردن کنفرانس اصلاندوز عباس میرزا و فتحعلیشاه خود را برای ادامه جنگ آماده کردند و فرامینی برای حکام منطقه از جمله مهدیقلی خان جوانشیر، حاکم قراباغ صادر نمودند.<sup>(۱۱)</sup>

انجام این تحولات و تمرکز قوای عباس میرزا در اصلاندوز سرانجام ژنرال کوتلوروسکی را در حمله به نیروهای عباس میرزا وسوسه کرد و در جنگ سختی که بین دو طرف در گرفت سپاهیان ایران شکست خوردند و پراکنده شدند (۱۲ شوال ۱۲۲۷ / ۱۹ اکتبر ۱۸۱۲).<sup>(۱۲)</sup>

قوای روسیه، پس از این پیروزی در اصلاندوز، با انجام یک سلسله عملیات جنگی در شکی، شیروان و قراباغ، که در حقیقت آغاز عملیات عمومی آنها در طول جبهه‌های جنگ بود،<sup>(۱۳)</sup> توانستند با فرماندهی ژنرال کلوت و در هم شکستن سپاهیان سلیمان خان در گنجه از رود کر عبور نمایند، ستونی دیگر از قوای روسیه به فرماندهی ژنرال لیسانویچ نیز ایروان را به مخاطره انداخت ولی از سردار حسین خان شکست خورد و به مواضع اولیه خود عقب نشینی کرد.<sup>(۱۴)</sup>

از طرف دیگر، ژنرال کوتلوروسکی برای نجات سپاهیان روس و مصطفی خان تالش که در آن ناحیه اغتشاشاتی بر ضد دولت ایران بر پا کرده بودند، متوجه سواحل بحر خزر شد تا گامیش آوان را که روسها در آنجا محصور شده بودند نجات دهد. سرانجام در نتیجه رسیدن نیروهای تازه نفس و کمک نیروی دریایی روس قلعه لنگران پس از چهار ماه مقاومت در برابر قوای روسیه سقوط کرد و بدین ترتیب تمامی سواحل غربی دریای خزر به دست روسها

در وضعیتی این چنین، فتحعلیشاه به کلیه سرداران ولایات دستور داد با ابوابجمعی سپاه خود به اردوی عباس میرزا در دشت قزوین ملحق شوند؛ کمتر از دو ماه هفتاد هزار سپاهی در چمن اوجان به اردوی عباس میرزا پیوستند.<sup>(۱۶)</sup>

ژنرال ردیشچف، فرمانده کل قوای روسیه در تفلیس، پس از اطلاع از چگونگی و کیفیت سپاه عباس میرزا متوحش شده در صدد چاره‌جویی برآمد. این در حالی بود که اخبار جبهه‌های اروپا نیز از پیشروی فرانسویها در روسیه حکایت می‌کرد. به شرحی که قبلاً اشاره شد روسها در نتیجه وارد شدن به اتحاد اروپا، تمایل نداشتند خود را درگیر جنگهای جدیدی با ایران نمایند. از طرف دیگر پیشرفتهای جنگ اصلاندوز روسها را مغرور نمود و ژنرال ردیشچف تهدید کرد چنانچه دولت ایران آماده مذاکره صلح نشود آنها نبرد را به داخل ایران خواهند کشاند.

بنابراین شرایط داخلی و سیاست خارجی، سرگرواوزلی به تقاضای مجدد فرمانده کل قوای روسیه در قفقاز و ضرورت‌های لازم که روسها بدان نیازمند بودند، عاقبت نمایندگان دو دولت (میرزا ابوالحسن خان شیرازی، وزیر امور خارجه و ژنرال ردیشچف) در قصبه گلستان، در کنار رودخانه زیوه قراباغ حاضر شدند. قابل توجه است که سرگور اوزلی، نماینده دولت انگلستان که بیشتر از دیگران حرص و جوش انعقاد معاهده صلح را داشت بنابر مصالح سیاسی از حضور در مذاکرات صلح خودداری کرد و میرزا بزرگ قائم‌مقام نیز - که وزارت عباس میرزا را عهده‌دار بود - در مذاکرات شرکت نداشت.

سرانجام معاهده گلستان، پس از مباحثات فراوان، با یک مقدمه طولانی و یازده فصل در تاریخ ۲۹ شوال ۱۲۲۸ / ۲۵ اکتبر ۱۸۱۳ تهیه و تنظیم شد و توسط وکلای مربوطه دو دولت امضاء گردید. به موجب این معاهده جنگهای ده ساله ایران و روس در دوره اول پایان یافت. برابر ماده دوم و سوم این قرارداد، خانان قره‌باغ و گنجه، خان‌نشین‌های شکی و شیروان، دربند و بادکوبه و قسمتی از تالش به انضمام تمامی داغستان و گرجستان و محال شوره‌گل و آچوق باشی و کورنه و منکریل و تمامی اولکای قفقاز تا کنار دریای خزر به روسیه تعلق یافت.<sup>(۱۷)</sup>

همچنین شرایط کشتی‌رانی و بازرگانی دو دولت در دریای خزر طبق ماده پنجم معاهده مشخص گردید و حق داشتن نیروی دریایی در این دریا منحصرأ به دولت روسیه واگذار شد.<sup>(۱۸)</sup>

تصویر اصل فصل پنجم معاهده گلستان مضبوط در آرشیو وزارت خارجه روسیه عیناً ارائه می شود. (۱۹)

Персидского Государства и *تحتاج با اعانت داد و در از وقت بهر چه لازم باشد*  
 дружбы политическою Высочайшего *مقتضی است تا از خارج کشور آنرا دفعه در وقت حکومت ایران نماید*  
 Российского Императора. Персидский *و بداد دولت است که در آن وقت ایران که در آن وقت*  
 Император обещал бы подданным *و اگر در آن وقت در آن وقت حکومت ایران می باشد که در آن وقت*  
 Персидского Государства получить *دولت روسی را در آن وقت که در آن وقت*  
 эту сумму денег из казенных *مشا که نسبت به پرداخته وقت حکومت*  
 суммовых: то Российская Импе-  
 рия не войдет в обязательства *است.*  
 державны по отношению к себе *شما که نسبت به پرداخته وقت حکومت*  
 Шиха не берет на себя *است.*  
 обещаний.

Статья V.

Российские купеческие су- *ضمیمه*  
 щам по прежнему обычаю *کیشتهای دولت روسیه در این معاملات برود در آن وقت*  
 составляется право плавить *میان بهر صورتی که در آن وقت که در آن وقت*  
 в Черном Каспийском морях и *عالم در وقت زمان آن زمان که در آن وقت*  
 приставать къ окладам, при чем *اعانت در این وقت که در آن وقت که در آن وقت*  
 со стороны Турецкаго султана *است.*  
 пожелали дружественный по- *است.*  
 мочь во время Турецкаго султана *است.*  
 по желанию купеческих су- *است.*  
 щам по прежнему обычаю *است.*



оставаться на вѣдѣніи оныхъ и не  
 имѣть никакого участія въ  
 управленіи и въ распоряженіи  
 войсками, а въ случаѣ войны  
 и во время войны не принимать  
 никакого участія въ военных  
 дѣлахъ, а въ случаѣ войны  
 не принимать никакого участія  
 въ военных дѣлахъ, а въ  
 случаѣ войны не принимать  
 никакого участія въ военных  
 дѣлахъ.

به استناد این سند بجز معاهده اولادکله  
 اردیبهشت به همین کردار تمام طوفاغ و شرکت کشتی از قبیل

اردیبهشت عاقبت و بار دیگر نشانه در باره آن معمول کرد

در ذیل کشتیها و کشتیها اردیبهشت بطریق در زمان خود در کشتیها

است باینکه در این خصوص در حال نیز مقرر شد

به استناد این سند معمول بجهت و اصرار از طرف آنها در کشتیها

است در کشتیها در این خصوص به این

Статья VI.

Востокъ платонныхъ обидѣ сто-  
 ронахъ взятой въ срѣзѣнїи, или  
 обидѣтскихъ захватныхъ въ  
 платонъ христианъ и другихъ

ضمیمه  
 قلمرو به این که در کشتیها

این نشانه در کشتیها و بار دیگر به این

۱۳۳۲ هـ ق.

Спешный лист.

تاریخ  
۱۳۳۲

«Тогда как в уполномочен-  
ных объезъ Высочайше Державнаго  
по стипендиальнаго учрежденія или  
корпуса, дабы поощрительнѣе  
рра и поощрительнѣе, для дружбы и  
соединенія были отприсланы повелѣ-  
но поименно и имъ поименно от-  
печатать отъ Высочайшаго

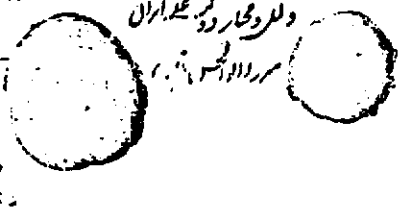
Бюро дѣлано за прѣдъ прѣдъ  
дѣлано въ Высочайшии русскіи  
стипендиальнѣе, повелѣно ели  
отъ Высочайшаго прѣдъ прѣдъ  
становитъ въ повелѣно Высочайшаго

распоряженія. Дѣлано поименно и имъ  
поименно поименно поименно  
поименно поименно поименно  
поименно поименно поименно

поименно поименно поименно  
поименно поименно поименно  
поименно поименно поименно  
поименно поименно поименно

Уполномоченный Главн.  
Коллегіи по Губерн-  
Николаевъ

۱۸۱۳  
۱۲ شهر آذر ۱۲۸۱  
دکتر محمد رفیعی  
۱۳۳۲



## ● گذری بر معاهدات گلستان و ترکمانچای و پیامدهای آن

در تهیه و تنظیم معاهده گلستان، روسها تعمداً وضعیت سرحدات را بطور دقیق روشن نکردند و در متن معاهده هم بویژه در ماده ارضی ابهاماتی باقی گذاردند تا در ادعاهای بعدی مورد استفاده قرار دهند. وجود این اشکالات و ابهامات موجود در قرارداد و علل سیاسی و اجتماعی دیگری مانند عدم رضایت ایران از نتایج جنگ، ازدست رفتن مناطق وسیعی از خاک کشور، عدم موفقیت روسها در جنگهای اروپا و مایوس شدن از توسعه ارضی از جانب مغرب، اهمیت راهبردی ایران در راه آسیای مرکزی و هندوستان و دریا‌های جنوبی، تحریکات سیاسی در سرحدات، درک اهمیت ارضی اطراف دریای خزر از جهت اقتصادی و سوق‌الجیشی برای امپراتور روسیه که در جنگهای اول و متن معاهده گلستان به خوبی تأمین نشده بود، طرز رفتار نامطلوب روسها با مردم مسلمان قفقاز و نواحی اشغالی که موجب برانگیخته شدن احساسات و خشم آنها علیه روسها گردید، اعلام جهاد توسط علما و روحانیان و تهیه و توزیع رساله‌هایی به نام «رساله جهادیه»<sup>(۲۰)</sup> و بسیاری از عوامل دور و نزدیک دیگر، نقش بسیار مهمی در تشویق و عزم مردم برای از سرگیری جنگ با روسیه داشته‌اند.<sup>(۲۱)</sup> همچنین، تصرف مناطقی از ایران، خارج از معاهده گلستان توسط روسها، همراه با تحریکات داخلی ساکنان آنها مبنی بر نوشتن نامه‌های شکایت‌آمیز و اعلام عدم رضایت خود نسبت به تبعیت از دولت ایران و مسأله کمیسیونهای حل اختلافات سرحدی و بسیاری از عوامل دیگر، اختلافات دو کشور را به حدی رسانید که پس از دوره نسبتاً طولانی قترت، جنگهای دوره دوم ایران و روس را باعث شد که از ذیحجه ۱۲۴۱ تا شعبان ۱۲۴۳ / ژوئیه ۱۸۲۶ تا فوریه ۱۸۲۸ به طول انجامید.<sup>(۲۲)</sup>

در حقیقت، از داخل علما و روحانیان که از اشغال نواحی گوگجه، بالغ لو و گونی از طرف روسها و آزار و شکنجه مسلمانان آن منطقه سخت نگران شده بودند و از خارج نیز دولت انگلستان که از قدرت و نفوذ روسها در ایران بیمناک شده بود، از هیچ اقدامی علیه سیاست دولت روسیه در ایران و آسیا فروگذاری نمی‌کردند.<sup>(۲۳)</sup> این در حالی بود که عباس میرزا نایب‌السلطنه نیز به رفتار ناهنجار روسها با مسلمانان مناطق اشغالی اعتراض نمود، و در این خصوص

مذاکرات عدیده‌ای را با ژنرال یرملوف، فرمانده کل قوای روسیه در قفقاز و نمایندگان وی انجام داد. اما این مذاکرات به جایی نرسید و ژنرال یرملوف، گوجه را اشغال و سکنه ایرانی آن را اخراج کرد. عباس میرزا که تا این تاریخ سیاست سازش و برخورد مسالمت‌آمیز را با روسها دنبال می‌نمود، پس از مرگ الکساندر اول در دسامبر ۱۸۲۵ و جانشینی برادرش نیکلای اول، سیاست مسالمت و مماشات خود را تغییر داد و این تغییر روش وی شروع جنگهای ایران و روس را تسریع کرد.<sup>(۲۴)</sup>

در شعبان ۱۲۴۱ / مارس ۱۸۲۶، شاهزاده منچیکوف (منشیکوف) به عنوان سفیر فوق‌العاده عازم ایران شد. او مأموریت داشت جلوس نیکلای اول را رسماً به دولت ایران اعلام کند، اما در حقیقت وظیفه اصلی او در این مأموریت حل و فصل اختلافات سرحدی بود.<sup>(۲۵)</sup> از آنجایی که هنگام ورود منچیکوف، شایع شده بود که وی قصد دارد، تالش و مغان را تا کنار سالیان و قزل آغاج به ایران واگذارد، تا ایران از حمله به روسیه خودداری نماید و چون چنین موردی صحت نداشت، علما و رؤسای ایلات و ساکنان مناطق سرحدی، احساسات مردم را برای جنگ علیه روسیه برانگیختند. از جانب دیگر در تبریز، مذاکرات و مکاتباتی در حل اختلافات سرحدی میان پرنس منچیکوف، عباس میرزا و میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام انجام شد و در چهارم ذیحجه ۱۲۴۱ پرنس منچیکوف در قرارگاه سلطانیه به حضور فتحعلیشاه رسید و در جلسه‌ای مرکب از پنج تن از وزراء (أصف‌الدوله، امین‌الدوله، معتمدالدوله، میرزا ابوالحسن خان و میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام) با حضور عباس میرزا درباره اختلافات سرحدی مذاکره کردند که به علت مخالفت صریح نماینده روسیه نتیجه‌ای در بر نداشت. در مورد اختلافات سرحدی ایران و روس و مأموریت پرنس منچیکوف ترجمه یکی از نامه‌هایی را که وی به الهیارخان آصف‌الدوله نوشته است با بازخوانی آن عیناً نقل می‌کنیم:<sup>(۲۶)</sup>

جناب مجدت و نجدت نصاب، شهامت و بسالت اتساب، دوست مشفق دام مجده

نوشته آن جناب واصل و جواب آن را این محب تحریر می‌نماید. در وقتی که اعلیحضرت

## گذری بر معاهدات گلستان و ترکمانچای و پیامدهای آن ●

پادشاه اعظم و امپراتور اکرم، نیکولای پاولویچ بر سریر سلطنت موروثی جلوس کرده، اوضاع امورات دول خارجه را مطالعه می نمودند، پاره ای امور ناتمام در باب سرحد دولت علیه ایران دریافت فرمودند؛ از تحریرات آخرین که به بطرزبورغ رسیده بود، از یک طرف نوشته خط گذاشته ینرال لیدناند<sup>(۲۷)</sup> ولیمینوف [ویلهمینوف]<sup>(۲۸)</sup> که در سنه ۱۸۲۵ در ۲۸ شهر سارت تحریر شده خواهش دولت روسیه را اظهار و معلوم می داشت و از طرف دیگر نوشته جناب نواب نایب السلطنه العلیة العالیة را که به جناب ینرال یرملوف قلمی داشته خطوط سرحدات دولت علیه را بیان و مشخص داشته بودند، ملاحظه نموده خواهش طرفین را به مرتبه یکدیگر نزدیک دیدند که ناتمامی این امور را به بعضی نانهمیدگیها حمل نمودند. در وقتی که محب به امور باین شده بود که جناب اعلیحضرت شاهنشاه جمجاه را از جلوس اعلیحضرت امپراتور اعظم مخبر نماید، این امر نیز به من سپرده شد که با اولیای دولت علیه ایران در خصوص امر سحد بنا بر مبنای مذکور، یعنی موافق نوشته نواب نایب السلطنه العلیة العالیة که به جناب ینرال یرملوف نوشته بودند، مکالمه و مشاوره نمایم. که آن به این قرار است: لهذا محض رضاجویی و خاطرخواهی آن جناب هر قراری که در باب قپان و گگجه [گوگجه] داده بود دربار دویم که او مراجعت نمود قبول کردیم و تعهد می کنیم که امضای آن را از دربار سپهر اقتدار شاهنشاه سازیم. لکن به خدا به خدا و به جقه شاهنشاه قسم که زیاده از این در قدرت ما نیست. در این صورت جناب نواب نایب السلطنه العلیة العالیة در خصوص قپان و گگجه، قدرت و اختیار را بر خود تصدیق فرموده در باب سایر جاها در همان نوشته پیشنهادهای پر شرایط نموده و آنچه زیاده از اختیار خود بوده است به تصدیق و امضای اعلیحضرت شاهنشاه اعظم والاجاه واگذار فرموده است. در سر این نوشتجات که بنای آن رضای طرفین است ایستاده، خواهش دوستی خود را معلوم و بیان نمودم، لکن چنانکه در مرز همچنین نیز در سلطانیة آن جناب هم آن را قبول ننموده، از محب خواهش می نمایند که نقل سرحد را موافق عهدنامه مبارکه طی و اتمام نماید. در این باب لازم دیده به آن جناب جوابی داده مطمئن می نمایم. پیشنهاد ایشان، که مراعات و پاس عهدنامه است از طرف دولت روسیه با شوق زیاده مقبول خواهد افتاد. از این جهت

که آن باعث محافظت و مقدس داشتن عهدنامه مبارکه خواهد بود که اصل خواهش ابدی پادشاه اعظم من که پیوسته نسبت به دولت ایران و شاهنشاه اعظم جمجاه رابطه دوستی و یک جهتی را دارند این است: دولت روسیه در پی تحصیل زمان نیست، بلکه استحکامی مبانی دوستی و رفاهیت همه رعایای خود را - که بدون فرق مذهب و تفاوت دین در ظل عدالت او می باشند - جويا و خواهانست. از برای ازدیاد اتحاد و حصول مرام و به جهت تبعید مباحثه و مجادله و استحکامی مبانی سرحد موافق عهدنامه مبارکه و مطابق فواید طرفین محب به اولیای دولت علیه ایران تکلیف می نمایم که یا از طرفین معتمدین صاحب اختیار کلی تعیین فرمایند که در سرحد بدون طرف گیری و جانب داری امور سرحدات را که تا حال برای اضرار و به خلاف رأی دو پادشاه اعظم جمجاه به تأخیر افتاده است، قطع و فصل نماید. و یا وکیل معتبر صاحب اختیار کلی به پطرزبورخ مأمور سازند که امر سرحد را گذرانیده طی گفتگو نماید؛ اگر اولیای دولت ایران به این پیشنهاد رضا داشته باشند محب مطمئن مقصد نمود که از طرف دولت روسیه نیز بلا تأخیر و درنگ معتمد صاحب اختیار کلی به سرحد تعیین گردد و یا به خود این محب اذن و اختیار تمام مرجوع و محول می شود که در اموری که نسبت به دستور العمل الحاله به محب تعلق ندارند، مشاوره و مکالمه نماید. دوستدار امیدوار است که دولت علیه ایران از این گونه پیشنهاد های حقیقی ملاحظه خواهند فرمود که خواهش دولت روسیه نه تنها آنست که رابطه دوستی دولت علیه ایران را محافظت نمایند، بلکه موافق عهدنامه مبارکه عمل نموده، شروط آن را محافظت و نگهداری می نمایند. هرگاه دولت ایران این پیشنهاد را بنا بر خواهش در اینکه به جنگ و قتال دارند قبول ننمایند، در آن وقت از جهت محافظت نمودن عهدنامه و یا سایر موادی که از این سبب به ظهور آمده معلوم کردند به دولت روسیه مرتبت نمی توان نمود.

حرر فی پانزدهم شهر ذی حجة الحرام سنه ۱۲۴۱

ینرال مایور پرنس منشیکوف<sup>(۲۹)</sup>



در این هنگام که افکار عمومی مردم، روحانیان و زمامداران به شدت علیه روسها تهییج شده بود، مسأله اعلان جهاد و آغاز جنگ را آقاسید محمد مجتهد همراه با شمار زیادی از روحانیان و ملا احمدنراقی به رهبری عده دیگری از مسلمانان وطن پرست طی تظاهراتی به نمایش گذاردند. سرانجام پرنس منچیکوف بدون اخذ نتیجه در ۱۸ ذیحجه ۱۲۴۱ عازم روسیه شد و با صدور فرمان جهاد جنگهای دوره دوم ایران و روس آغاز شد.<sup>(۳۰)</sup>

جنگهای دوره دوم ایران و روس از جهت تحولات جنگی و فراز و نشیب پیروزی و شکست به سه مرحله تقسیم شده که مرحله نخست آن از ذیحجه ۱۲۴۱ تا محرم ۱۲۴۲ به طول انجامید و در این دوره قوای ایران کلیه مناطقی را که بر اساس معاهده گلستان به روسها واگذار شده بود، آزاد نموده و مجدداً تصرف کردند. مرحله دوم این جنگها، از صفر ۱۲۴۲ تا ذیحجه ۱۲۴۲ بود که همزمان با شکست قوای ایران و سقوط قلعه عباس آباد است. مرحله سوم نیز از ذیحجه ۱۲۴۲ تا شعبان ۱۲۴۳ استمرار یافته است. پس از سقوط ایروان حمله عمومی روسها در سه جبهه به فرمان پاسکویچ آغاز شد که شامل جبهه راست به فرماندهی ژنرال دبیچ و جبهه مرکزی به فرماندهی ژنرال آنجاووف و سرانجام جبهه چپ توسط ژنرال ملینکوف که به ترتیب برای تصرف شهرهای خوی، تبریز و اردبیل صورت گرفت.<sup>(۳۱)</sup>

از مه تا اکتبر ۱۸۲۷ با وجود آنکه عباس میرزا ستونهایی از قوای روسیه را به فرماندهی ژنرال کراکوفسکی و ژنرال آریستوف در نزدیکی کلیسای اچمیادزین و شهر نخجوان شکست داد، اما روسها در سواحل شمالی رود ارس پیشرفت نمودند و دژهای عباس آباد و اردوباد را در این نواحی به تصرف در آوردند. ایروان هم پس از ۸ روز جنگ خونین به تصرف ژنرال پاسکویچ درآمد. ۱۵ اکتبر ۱۸۲۷ از طرف دیگر ژنرال آریستوف نیز با عبور از رود ارس راه تبریز را در پیش گرفت و در ۲۴ اکتبر ۱۸۲۷ آن شهر را اشغال کرد.<sup>(۳۲)</sup>

در این هنگام تلاشهایی برای مذاکرات صلح بین عباس میرزا و پاسکویچ و نمایندگان آنها صورت گرفت که به نتیجه مطلوبی نرسید تا اینکه پاسکویچ، گریبایدوف را برای مذاکرات



## گذری بر معاهدات گلستان و ترکمانچای و پیامدهای آن ●

صلح به ایران فرستاد. او شرایط قبلی ژنرال دبیچ را - که به میرزا محمدعلیخان، نمایندهٔ پیشین ایران ارائه شده بود - پیشنهاد کرد، یعنی واگذاری تمام نواحی شمال رود ارس و پرداخت هفتصد هزار تومان غرامت جنگی که این پیشنهاد هم نتیجه نداد و عملیات جنگی بار دیگر آغاز شد که با سقوط تبریز، دوباره مذاکرات صلح در دهخوارقان (آذرشهر) از سر گرفته شد (۱۹ ربیع الثانی ۱۲۴۳). در این مذاکرات فرماندهٔ قوای روسیه اعلام کرد: دولت روسیه شهرهای ایروان، نخجوان و اردوباد را پس نخواهد داد و رود ارس سرحد دو کشور خواهد بود و ایالت مغان و تالش نیز متعلق به روسیه است و دولت ایران باید ۱۵ کرویر تومان غرامت نیز به روسیه پرداخت کند.<sup>(۳۳)</sup>

این شرایط پیشنهادی ژنرال پاسکویچ هم مورد قبول فتحعلیشاه واقع نشد و دوباره عملیات جنگی ادامه یافت. روسها در طول ساحل دریای خزر ناحیه وسیعی را تا تالش به تصرف در آوردند. پاسکویچ از تبریز تا قافلانکوه پیشروی کرد و ستون دیگری از قوای روسیه با اشغال اردبیل و غارت کتابخانه و اشیاء عتیقهٔ بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی به تهدید داخل ایران پرداختند. در این هنگام سرجان ماکدونالد، وزیرمختار انگلیس در ایران - که از پیشروی روسها در ایران نگران شده بود - میانجیگری خود را برای صلح ایران و روسیه به فتحعلیشاه پیشنهاد کرد که مورد قبول واقع شد و مقرر گردید مذاکرات صلح در قریهٔ ترکمانچای در شمالغربی شهر میانه انجام شود.<sup>(۳۴)</sup>

پس از اطمینان سرجان ماکدونالد از پذیرش شرایط صلح به وسیلهٔ نمایندگان ایران و روسیه، که با تلاشهای ماک نیل، قنصل انگلیس به دست آمده بود، نمایندگان دو دولت که عبارت بودند از: میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام، میرزا ابوالحسن خان شیرازی، وزیر خارجه، آصف الدوله و عباس میرزا و پاسکویچ در قریهٔ ترکمانچای گرد آمدند و پس از تبادل فرامین و کالت و اختیارات در انجام قرارداد صلح، معاهدات ترکمانچای در ۵ شعبان ۱۲۴۳ / ۱۰ فوریهٔ ۱۸۲۸ با یک مقدمه و ۱۶ فصل و مکمل ماده‌های نهم و دهم، یک صورت مجلس دایر بر چگونگی پذیرش و تشریفات سفرا و یک عهدنامهٔ تجارتي مشتمل بر ۹ ماده تنظیم و به امضای عباس

میرزا و ژنرال پاسکویچ و وکلای تام‌الاختیار دو طرف رسید. (۳۵)

از آنجایی که فصل هشتم عهدنامه ترکمانچای عیناً تکرار ماده ششم عهدنامه گلستان و راجع به مقررات کشتی‌رانی در دریای خزر می‌باشد، تصویر فصل هشتم این قرارداد - که با اصل عهدنامه مضبوط در آرشیو وزارت خارجه روسیه مطابقت دارد - عیناً در اینجا نقل می‌شود:

که ازین روز رسد شخص وجود نواب مطاب و الا شاهی برادر عباس میرزا و بعد  
 وارت برکزیه و تاج و تخت ایران شاهی از نازخ جلوس تخت شاهی ما و شاه با  
 این مملکت و آمدن فخر سعادت تجارت روس ما تدبیر استحقاق خواهد بود  
 که با رادوی دریای خزر و بطول سواحل آن سیر کرده بجزارهای آن فرود آید و در  
 حالت سخت کسی در ایران اعانت و مدد خواهد یافت و محسن کسبهای تجاری  
 ایران استحقاق خواهد بود که بفراساتق در بحر خزر سیر کرده بسواحل روس آمد  
 نمایند و در آن سواحل در حالت سخت کسی همان نسبت اعانت و مدد خواهد  
 یافت در باب سفین جرسه که علمهای عسکریه روسه دارند چون از قدم بالا نظر  
 استحقاق داشته که در بحر خزر سیر نمایند این حق مخصوص کافی السابق  
 امروز با اطمینان بیان داده میشود و بگویند غیر از دولت روسیه هیچ دولت دیگر  
 نمونند در بحر خزر کسی جوی داشته باشد و چون کمون خاطر علیحضرت

## ● گذری بر معاهدات گلستان و ترکمانچای و پیامدهای آن

با انعقاد معاهدات ترکمانچای، علاوه بر قسمتهای از دست رفته ایران در معاهده گلستان، سرزمینهای حاصلخیز و پرمنفعت قره‌باغ، شوره‌گل و بخشی از صحرای مغان و مناطقی دیگر از سرزمین ایران جدا شد؛ ایران تسلط کامل دولت روسیه تزاری را بر دریای خزر پذیرفت و نواحی شمالی ایران در برابر تعرضات احتمالی آینده کاملاً بی‌دفاع ماند. گذشته از اینها، اصول و شرایط معاهدات ترکمانچای در تمام جریانات و تحولات سیاسی و تاریخی سده نوزدهم ایران، پیامدهای داخلی و خارجی فراوانی داشت. از نظر داخلی خدشه‌دار شدن احساسات و روحیات مردم و خفتی که در سایه انعقاد معاهدات ننگین گلستان و ترکمانچای حاصل شده بود، آثار عملی خود را در واقعه قتل گریبایدوف ظاهر ساخت. ایجاد ناامنی و انقلابات داخلی که از جمله می‌توان به مهمترین آنها تحت عنوان انقلابات مشرق ایران اشاره کرد که نتیجه آنها جدایی بخشهای شرقی و شمال‌شرقی ایران از این سرزمین بود. استقرار اوضاع بد اقتصادی که از نتایج نامطلوب و ویران‌کننده این جنگهای ۱۲ ساله به شمار می‌آید. از جهت خارجی نیز مهمترین مسأله معاهدات تجاری بود که علاوه بر صدمه‌زدن به فواید کشور مسأله کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی) را در کشور رایج نمود و بالطبع سایر کشورها که با ایران ارتباط داشتند، نیز خواهان این امتیاز شدند؛ در نتیجه عملاً قوه قضائیه کشور ضعیف و ناتوان شد و زمینه رقابت و دخالت بیش از پیش دول بیگانه در این کشور فراهم گشت.<sup>(۳۶)</sup> همچنین این معاهدات باعث شدند تا ایران نفوذ سیاسی و معنوی خود را در بسیاری از مناطق از دست بدهد و بر عکس کشورهای نظیر انگلستان در مشرق و شمال‌شرقی و جنوب ایران نفوذ خود را گسترش دادند و از بسط نفوذ معنوی و سیاسی ایران در این مناطق جلوگیری کردند. روسها چهارده سال پس از معاهده گلستان به سادگی به اهدافی بسیار بیشتر از آنچه در نتیجه معاهده گلستان بدست آورده بودند، دست یافتند.<sup>(۳۷)</sup>

## پی‌نوشت‌ها

۱. اسکندر میرزا، پسر هراکلیوس دوم، که پس از فوت پدر و محروم شدن از سلطنت در مقابل برادر بزرگتر خود، به ایران پناهنده شد و او یکی از علل اصلی جنگهای ایران و روس بود.
۲. علی اکبر بینا، تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، ج ۱، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳، ص ۱۴۴-۵؛ جمیل فوزانلو، تاریخ نظامی ایران، ج ۲، تهران ۱۳۱۵، ص ۸۰۵-۸.
۳. استاد وزارت خارجه انگلیس، سندهای شماره ۲ و ۱ (اسناد تأیید قرارداد).
۴. استاد وزارت امور خارجه ایران، عهدنامهجات شاهنشاه مبرور فتحعلیشاه، طاب‌نراه و رسایل اداری دولت علیّه، سنه ۱۲۲۴-۳۹ق، دفتر شماره ۳ خطی.
۵. جمیل فوزانلو، پیشین، ص ۸-۱۰۷.
۶. میرزا محمدصادق وقایع نگار مروزی، تاریخ جنگهای ایران و روس، تهران ۱۳۶۹، ص ۲-۲۱۱.
۷. پیشین، ص ۳-۳۴۲.

## 8. Kutloroski

۹. میرزا محمدصادق وقایع‌نگار مروزی، ص ۳۴۳.
۱۰. وظیفه اصلی قائم‌مقام در این مأموریت، تکذیب دخالت سربازان ایرانی در حادثه گرجستان بود. نک: محمدصادق وقایع نگار مروزی، همانجا.
۱۱. اسنادی از روابط ایران با منطقه قفقاز، اداره انتشار اسناد دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، ص ۲۵۸-۹.
۱۲. سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ج ۲؛ ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: موسسه مطبوعاتی علی اکبر علمی، ۱۳۳۵، ص ۴۹۲.
۱۳. عبدالرزاق بیگ مفتون دنبلی، مآثر سلطنتیه، به کوشش صدی افشار، تهران: انتشارات ابن سینا، ۱۳۵۱، ص ۲۹۹.
۱۴. علی اکبر بینا، پیشین، ص ۱۱ و ۱۵۱-۱۵۰.
۱۵. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹، ص ۲۲۲.
۱۶. میرزا محمدصادق وقایع‌نگار مروزی، پیشین، ص ۱۱-۲۱۰.

## ● گذری بر معاهدات گلستان و ترکمانچای و پیامدهای آن

۱۷. جمیل قوزانلو، پیشین، ص ۸۱۲؛ علی اکبر بینا، پیشین، ص ۱۶۴-۵؛ سرپرسی سایکس، پیشین، ج ۲، ص ۴۹۲-۷.
۱۸. علی اکبر بینا، پیشین، ص ۱۶۲-۳.
۱۹. اسناد آرشیو وزارت خارجه روسیه، صفحاتی از اصل معاهده گلستان در فصل پنجم.
۲۰. برای آگاهی بیشتر نک: هدایت‌الله بهبودی، ادبیات در جنگهای ایران و روس، تهران، ۱۳۷۱.
۲۱. جمیل قوزانلو، پیشین، ص ۸۴۷-۹.
۲۲. میرزا محمد صادق وقایع‌نگار مروزی، پیشین، ص ۲۲۷-۴۲.
۲۳. پیشین، ص ۲۳۲-۳؛ علی اکبر بینا، پیشین، ص ۱۹۰-۱.
۲۴. پیشین، ص ۱۸۵-۹.
۲۵. پیشین، ص ۱۹۲.
۲۶. اسناد وزارت امور خارجه ایران، مکاتبات قدیم، کارتن ۱، پوشه ۲۲، ترجمه نامه ینرال مایور پرنس منچیکوف به آصف‌الدوله، ذیحجه ۱۳۴۱؛ سرپرسی سایکس، پیشین، ص ۴۹۶-۷.
27. Leedmand
28. Wilheminoft
۲۹. اسناد وزارت امور خارجه ایران، همانجا.
۳۰. میرزا محمد صادق وقایع‌نگار مروزی، پیشین، ص ۲۳۲-۴۲؛ علی اکبر بینا، پیشین، ص ۱۹۰-۸.
۳۱. جمیل قوزانلو، جنگهای دوم ایران و روس، تهران: کتابخانه ترقی، ۱۳۱۵، ص ۵۶-۷؛ عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۲۳۶-۷.
۳۲. سرپرسی سایکس، پیشین، ص ۴۹۹.
۳۳. علی اکبر بینا، پیشین، ص ۲۲۴.
۳۴. میرزا محمد صادق وقایع‌نگار مروزی، پیشین، ص ۲۷۶-۸.
۳۵. اسناد وزارت امور خارجه ایران و وزارت خارجه روسیه، عهدنامه ترکمانچای؛ محمد صادق وقایع‌نگار مروزی، پیشین، ص ۲۷۸-۹؛ سرپرسی سایکس، پیشین، ص ۵۰۰-۵۰۳.
۳۶. میرزا محمد صادق وقایع‌نگار مروزی، پیشین، ص ۳۰۰-۳۰۳.
۳۷. جمیل قوزانلو، تاریخ نظامی ایران، ص ۹۲۹-۳۰؛ سرپرسی سایکس، همانجا.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی  
پرتال جامع علوم انسانی